

جبهه‌ساز



تحلیلی بر اقدامات بنی‌امیه برای مسخ دستگاه محاسباتی جامعه اسلامی در جهت به ناکامی کشاندن جبهه حق

جبهه مردم، زمینه‌ساز قتل سیدالشهدا



همام‌بن عبدالمطلب که او کمک‌های مالی فراوانی می‌کرد، او در دستگاه عبدالمطلب نیز ارج و قرب فراوان داشت و از او نیز اموالی گرفته بود. عمر بن عبدالعزیز در نامه‌ای به کارگزارانش به آنان توصیه می‌کند از ابن‌شهاب زهری که عالم معروف شام و حجاز است بهره ببرند. یکی دیگر از فقیهان نامداری که امویان او را به سوی خود جلب کردند ابوعمرو عبدالرحمان سرچشمه‌ی گرفت به همه خانه‌های بزرگ آب رساند. از جمله مهم‌ترین ابائاتی‌های ولید پدید به ساختن مسجد بزرگ جامع در دمشق اشاره کرد که از زیبایی و شکوه خاصی برخوردار بود به گونه‌ای که سال‌ها بعد وقتی مهدی علیه‌السلام عباسی این مسجد را دید، آن را بی‌مانند در روی زمین قلمداد کرد و مأمون عباسی نیز از شگفتی‌ها بود آن سخن به میان آورد.

از جمله اقداماتی که امویان برای جلب نظر مردم به کار بردند مشروعیت‌بخشی به خود و حکومت خود بود. آنان در این مورد از ۳ راه اقدام کردند: نخست انتساب خود به خدا و پیامبر، حتی عبدالله بن علی بن عبدالله بن عباس را به علت قتل بنی‌امیه و خیانت به آنان نکوهش کرد و حق بنی‌عباس را در خلافت انکار کرد. اوزاعی از اعتبار بسیار بالایی در بین اهل سنت و منطقه شام برخوردار بوده است؛ چنانکه امامت او در حدیث میان اهل سنت - با توجه به ارجاعات دانشمندان این مذهب به او و نیز دیگر قرائن - روشن می‌شود.

محققان در راه خداوند هستند. ۷- منع دشنام به شامیان به این علت که پاکان زیادی در میان آنان هستند. ۸- در وقت فتنه به شام پناه ببرید. ۹- در هنگامه فراگیری فتنه در جبهان، ایمان در شام خواهد بود.

این احادیث که بسیاری از آنها منتسب به رسول خدا و برخی نیز منتسب به امیرمؤمنان علی است به منظور قداست‌بخشی به شام و شامیان توسط معاویه و با کمک جاعلانی مانند کمبلاخبر، وهب بن منبه و ابوهریره جعل شدند. احادیث فضیلت شام در مجامع حدیثی اهل حدیث، مانند مسند احمد بن حنبل و آثار دیگر فراوان آمده است. این نشان می‌دهد که بخشی از مهم‌ترین روایات مربوط به فضیلت شام در قرن اول و دوم رواج یافته و در قرن سوم از طریق محدثان به عنوان روایات قابل قبول نقل و در مصادر حدیثی و تاریخی وارد شده است. یکی از عواملی که موجب شد امویان در شام نفوذ پیدا کرده و توجه شامیان را به خود جلب کنند، استفاده از سرمایه‌های اجتماعی در شام و نفوذ متنفذان بود که این سرمایه‌های اجتماعی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

- **قبایل**
- **افراد با نفوذ**
- **شاعران**
- **قاریان**

عثمان نفرین و لعن می‌کرد؛ وقتی از او علت حضور در این جنگ را پرسید، پاسخ داد: «ما شما می‌جنگیم، چرا که به من گفتند امیرتان نماز نمی‌خواند و شما نیز نماز نمی‌خوانید و امیرتان خلیفه ما را کشته است». امویان به صورت عمد دشنامیان را در جهل نگه داشتند تا مبدا یا مکتب اهل بیت آشنا شوند و چهره واقعی بنی‌امیه آشکار شود. این جهل بیش از همه به کار آنان آمد و در تمایل شامیان به آنان کارگر افتاد.

او با ۲ حربه روانی به میدان آمد که عبارت بود از «عظمت بخشی» و «قداست بخشی» و او با زیرکی شیطنی از این ۲ حربه برای تحریک حس ملی‌گرای شامیان بهره برد و نتیجه آن نیز چیزی جز علاقه مردم شام به او و خاندان بنی‌امیه نبود.

- **عظمت‌بخشی**

شام، میراثدار هزاران سال تمدن بود و طبعاً به دنبال حاکمی می‌گشت که بتواند احیاکننده عظمت گذشته آن باشد. شامیان عامل این عظمت‌بخشی را در امویان بویژه معاویه یافتند و او نیز از این فرصت بیشتر بهره برد.

او برای سیدت‌بخشی به شامیان در برابر عراقیان، بقیع‌بیت‌المال عراق را به شام منتقل کرد تا غرور آنان را احیا کند. این برای مردمی که آگاه می‌کرد، مجموعه این حوادث موجب شد تا معاویه به عثمان نامه بنویسد و وی را از اعمال و سخنان ابودر آگاه کند. معاویه پس از پاسخ عثمان، ابودر را به مدینه روانه کرد. ابودر بعدها به ربه تبعید شد. در نتیجه این جنل، شامیان علی را پدر فاطمه و فاطمه را همسر پیغمبر و دختر عایشه را خواهر معاویه و علی را کشته شده در جنگ حنین همراه با پیامبر می‌دانستند. معاویه در نامه‌ای خطاب به اهل شام نوشته بود: «این نامه‌ای است که امیرالمؤمنان، معاویه، صاحب وحی خدایی که محمد را به نبوت برانگیخت نوشته است. محمد امی بوده نه می‌خواند و نه می‌نوشت و از میان اهل خود وزیر کی نویسنده امین باشد برگزید. وحی بر محمد نازل می‌شد و من آن را می‌نوشتم و اونمی‌دانست که من چه می‌نویسم و میان من و خدا هیچ یک از خلق او حاضر نبود». جهل شامیان به اندازه‌ای بود که بنی‌امیه را تنها خویشتان رسول خدا می‌دانستند. پس از سقوط امویان، برخی از سران ایشان نزد سفاح نخستین خلیفه عباسی شهادت دادند که جز بنی‌امیه‌اقوامی برای پیامبر نمی‌شناختند. وقتی معاویه نماز جمعه را چهارشنبه خواند کسی اعتراض نکرد و همه در نماز حاضر شدند. مردم شام به قدری در جهل نگه داشته شدند که در جنگ صفین نفهمیدند چرا با وجود زنده بودن ۲ فرزند عثمان، معاویه باید خود را ولی دم خلیفه مقتول معرفی کند؟ وانگهی پس خود نپرسیدند که اگر علی بر حق نیست، پس چرا ۷۰ بدری و هفتصد نفر از افرادی که در بیعت رضوان با پیامبر شرکت داشتند در میان لشکریان او حضور دارند؟ شخصی از یکی از عقلائی شامی پرسید: این ابوتراب که خطاب او را بر فراز منبر لعن می‌کند کیست؟ شامی پاسخ داد گمان می‌کنم سارقی از سارقان فتنه‌گر است. هاشم قرمال از یاران امیرالمؤمنان نیز نقل می‌کند که در صفین یک جوان شامی را دید که رجزخوانی می‌کرد و علی را به دلیل قتل

در بررسی تاریخ صدر اسلام بویژه در مقطعی که بنی‌امیه به مرور قدرت سیاسی را به دست می‌گیرد، همیشه این سوال برای پژوهشگران مطرح می‌شود که چطور می‌شود امت اسلامی بعد از زحمت‌های زیاد پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) ایشان، راضی به خلافت امویان شده و اتمه اظهار را در راه مبارزه با این شجره ملعونه تنها می‌گذارند؟ حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا جباری، پژوهشگر تاریخ اسلام در یادداشت پیش رو به این سوال جواب داده است که بنی‌امیه چگونه جامعه اسلامی بویژه مردم شام را به اطاعت از خود وامی‌داشتند و آنها را به مقابله با اهل بیت پیامبر اکرم ترغیب می‌کردند.



منطقه شام نقش مهمی در تحولات تاریخ بویژه تاریخ صدر اسلام داشته است. بعد از فتح این منطقه در سال ۱۴ هجری و منصوب شدن یزید بن ابوسفیان از سوی خلیفه به عنوان والی این منطقه، نفوذ امویان نیز آغاز شد و بعدها این نفوذ در دوران معاویه رشد روزافزون یافت و بر گستره آن افزوده شد. سیاست‌های ریکارانه و در عین حال حساب‌شده معاویه موجب شد بین خاندان بنی‌امیه و مردم شام ارتباط نزدیک همراه با علاقه شکل گیرد و در دوران خلفای بعدی تا پایان دولت امویان این علاقه و ارتباط باقی بماند. علاقه شامیان به امویان به اندازه‌ای بود که وقتی معاویه در بستر بیماری افتاد و به مردم اجازه عیادت داد، دسته دسته از اهل شام به عیادتش آمدند و وقتی احوال رنجور وی را دیدند، بسیار گریستند و بر ادامه حکومت بنی‌امیه تأکید کردند و خواهان خلافت یزید شدند.

معاویه تلاش فراوانی برای تثبیت موقعیت شامیان به کار برده بود؛ وی با تأثیر شیطنی خود در جنگ صفین، توانست شام را مستقل از دولت اسلامی اداره کند و بعدها پس از جریان صلح امام حسن (ع) دمشق را پایتخت جهان اسلام قرار داد. همین سیاست‌ها موجب شد تا شامیان را بر خاندانش علاقه‌مند شوند و هیچگاه آنان را در هیچ عرصه‌ای تنها نگذارند. بعد از فتح شام در دوره خلیفه اول یزید بن ابوسفیان از سوی ابوبکر به امارت دمشق و نواحی آن منصوب شد. سپس عمر، یزید بن ابوسفیان را بر ولایت شام تثبیت کرد و پس از مرگ او، معاویه (برادر یزید) را بر حکومت شام منصوب کرد و عثمان نیز او را ایقا کرد. حضور معاویه بر مسند قدرت در شام، دوره اوج‌گیری ارتباط شامیان با امویان و به تبع آن علاقه‌مندی آنان به خاندان ابوسفیان بود. بویژه اینکه معاویه با اتخاذ سیاست‌های مکارانه که بر گرفته از روحیه ریکارانه وی بود توانست توجه مردم شام را به سوی خود جلب کند. بی‌گمان می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل جذب شامیان به سوی امویان را ریکاری و مردم‌داری مظاهرانه معاویه دانست. او توانست با اتخاذ سیاست به اصطلاح پوپولیستی، مردم شام را طرفدار خود کند. معاویه برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات خود، دست به برخی کارهای ریکارانه مذهبی زد. وی پارچه‌ای از دیدار روی خانه خدا کشید و برای مسجد پیامبر و محراب ساخت. از جمله مواردی که بر ریکاری وی صحنه می‌گذاشت صبر برداری ظاهری معاویه بود که برخی از مورخان را به اشتباه انداخته و موجب شده است آنان این مسأله را یکی از حسنات وی به شمار آورند. برای نمونه، در یکی از نقل‌های تاریخی آمده است که معاویه بعد از اینکه روی منبر از سوی یکی از مستمعان به دروغ‌گویی متهم شد وی به جای برخورد با شخص متعرض به منزل رفت و پس از لحظاتی در حالی که از محاسنش آب می‌چکید بر فراز منبر رفت و گفت: ای مردم بدانید که خشم و غضب از ناحیه شیطان است و شیطان از آتش است. پس اگر یکی از شما به دلیلی غضبناک شد خشمش را با آب خاموش کند. همچنین باید به مکر و حیل وی در جذب مردم نیز اشاره کرد. معاویه در جمعی گفته بود: «گر مویی بین من و مردم باشد، قطع نمی‌کنم». از وی پرسیدند چگونه؟ پاسخ داد: «گر بکشند رهایش می‌کنم و اگر شل کنند می‌کنم».

امام علی (ع) در تبیین شگردهای ریکاری معاویه می‌فرماید: «معاویه از هر طرف سراغ انسان می‌آید. از پیش رو، پشت سر و از راست و چپ می‌آید تا در حال غفلت او را تسلیم خود کند و درک و شعورش را بنزدد». عمرو بن عاص نیز درباره شخصیت معاویه گفته بود

همراهی کردند و مسروق عکی، مشروط به دریافت ۲ میلیون درهم به دامنه جنگ در کاب معاویه ملتزم شد. در برخی نقل‌های تاریخی آمده است مسروق عکی، فرمانده قبیله عک نزد معاویه آمد و گفت برای قوم من ۲ میلیون درهم عطا مقرر کن، با این عهد که هر کس از ایشان کشته شد، پسر عمویش جای او را بگیرد. معاویه نیز پذیرفت و آنان با قبیله همدان درگیر شدند، به گونه‌ای که عمروعاص به معاویه گفت: «شیران با شیران روبروی شده‌اند و من هرگز چون امروز ندیده‌ام». عبدالله بن عباس در مکتب‌به امام حسن مجتبی تأکید می‌کند که مردم از علی کناره گرفتند و به سوی معاویه رفتند چون علی بین مردم در توزیع بیت‌المال به مساوات و برابری رفتار می‌کرد و این امر بر آنان سنگین بود. پس از قضیه حکمیت معاویه از هیثم درباره مقایسه شامیان و عراقیان پرسید و هیثم درباره شامیان گفت: «مردم شام تو را به سبب تمتع از دنیا دوست دارند که دنیاپرستان اهل طمع‌اند». نتیجه اینکه به تعبیر ذهبی، شامیان به این علت به معاویه عشق می‌ورزیدند و درباره او غلو می‌کردند و او را بر هر کس دیگری برتری می‌دادند که با کرم و عطایای خود آنان را تسخیر کرده بود. افزون بر این موارد باید به عمران و ابائاتی‌ها و توسعه‌ای که در عصر امویان در شام صورت گرفت نیز اشاره کرد که بر علاقه شامیان به بنی‌امیه می‌افزود. این مهم بویژه در دوره ولیدبن عبدالملک چشمگیرتر از هر زمان دیگری به نظر می‌رسد. ولید ابائاتی را دوست داشت این رو به اصلاح راهها توجه کرد و در این زمینه بیش از دیگران کار کرد. او شهر دمشق را آباد کرد و از طریق قنات‌هایی که از رودخانه بردی سرچشمه‌ی گرفت به همه خانه‌های بزرگ آب رساند. از جمله مهم‌ترین ابائاتی‌های ولید پدید به ساختن مسجد بزرگ جامع در دمشق اشاره کرد که از زیبایی و شکوه خاصی برخوردار بود به گونه‌ای که سال‌ها بعد وقتی مهدی علیه‌السلام عباسی این مسجد را دید، آن را بی‌مانند در روی زمین قلمداد کرد و مأمون عباسی نیز از شگفتی‌ها بود آن سخن به میان آورد.

از جمله اقداماتی که امویان برای جلب نظر مردم به کار بردند مشروعیت‌بخشی به خود و حکومت خود بود. آنان در این مورد از ۳ راه اقدام کردند: نخست انتساب خود به خدا و پیامبر، حتی عبدالله بن علی بن عبدالله بن عباس را به علت قتل بنی‌امیه و خیانت به آنان نکوهش کرد و حق بنی‌عباس را در خلافت انکار کرد. اوزاعی از اعتبار بسیار بالایی در بین اهل سنت و منطقه شام برخوردار بوده است؛ چنانکه امامت او در حدیث میان اهل سنت - با توجه به ارجاعات دانشمندان این مذهب به او و نیز دیگر قرائن - روشن می‌شود.

محققان در راه خداوند هستند. ۷- منع دشنام به شامیان به این علت که پاکان زیادی در میان آنان هستند. ۸- در وقت فتنه به شام پناه ببرید. ۹- در هنگامه فراگیری فتنه در جبهان، ایمان در شام خواهد بود.

این احادیث که بسیاری از آنها منتسب به رسول خدا و برخی نیز منتسب به امیرمؤمنان علی است به منظور قداست‌بخشی به شام و شامیان توسط معاویه و با کمک جاعلانی مانند کمبلاخبر، وهب بن منبه و ابوهریره جعل شدند. احادیث فضیلت شام در مجامع حدیثی اهل حدیث، مانند مسند احمد بن حنبل و آثار دیگر فراوان آمده است. این نشان می‌دهد که بخشی از مهم‌ترین روایات مربوط به فضیلت شام در قرن اول و دوم رواج یافته و در قرن سوم از طریق محدثان به عنوان روایات قابل قبول نقل و در مصادر حدیثی و تاریخی وارد شده است. یکی از عواملی که موجب شد امویان در شام نفوذ پیدا کرده و توجه شامیان را به خود جلب کنند، استفاده از سرمایه‌های اجتماعی در شام و نفوذ متنفذان بود که این سرمایه‌های اجتماعی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

- **قبایل**
- **افراد با نفوذ**
- **شاعران**
- **قاریان**

امویان با استفاده از جایگاه قاریان در جامعه بر وجهات خود در میان شامیان می‌افزودند. در برخی نقل‌ها تعداد قاریانی که جذب معاویه شدند حتی تا ۴ هزار نفر هم برآورد شده است، هر چند مبالغه‌آمیز به نظر می‌رسد. یکی از با نفوذترین و بزرگ‌ترین قاریان قرآن، ابوسلم خولانی بود که یکی از مشاهیر تابعان شامی و از یاران معاویه به شمار می‌آمد. او از قبیله خولان یمن بود که اغلب ساکن شام بودند. ابوسلم در زمان حکومت معاویه به شام رفت و در جریان جنگ صفین یکی از مهم‌ترین هوافران معاویه بر ضد امیرمؤمنان علی بود.

- **فقیهان**

نقش فقیهان درباری در تمایل شامیان به امویان را می‌توان مهم ارزیابی کرد. قریب به اتفاق فقیهای شام، ضمن بیعت با امویان، از طرفداران پایرجا و مستحکم آنان به شمار می‌آمدند. به تعبیر دکتر عطوان، فقهایی شامی نسبت به دیگر فقهها، «شد نعوه» به خلافت امویان بودند. خلفای اموی با استفاده از جایگاه آنان در میان مردم، از وجود آنان نهایت بهره را می‌بردند. برای نمونه می‌توان به ۲ فقیه بزرگ آن دوران اشاره کرد. یکی از آنان ابوبکر محمدبن مسلم بن عبدالله شهاب معروف به زهری از فقیهان و محدثان بزرگ قرن دوم هجری بود. واقعی معتقد است او از عالمان بزرگی است که بویژه در حجاز و شام همتایی نداشت. ابن‌سعد نیز او را تنها فقیه و محدث مدینه به شمار می‌آورد. او اهل مدینه بود ولی مدتی را در شام گذرانده بود. زهری همچنین از جمله تابعان به شمار آمده و روایت‌های گوناگونی را از امام سجاد نقل کرده است. حضرت در نامه‌ای توبیخ‌آمیز او را به دلیل همکاری با دستگاه امویان سرزنش می‌کند. زهری بیشتر عمر خود را در خدمت بنی‌امیه بود و به آنان در دنیای‌شان کمک می‌کرد.

معاویه در جهت تقویت مشروعیت‌بخشی به خود و حکومت خود، دست به برخی کارهای ریکارانه مذهبی زد. وی پارچه‌ای از دیدار روی خانه خدا کشید و برای مسجد پیامبر و محراب ساخت. از جمله مواردی که بر ریکاری وی صحنه می‌گذاشت صبر برداری ظاهری معاویه بود که برخی از مورخان را به اشتباه انداخته و موجب شده است آنان این مسأله را یکی از حسنات وی به شمار آورند. برای نمونه، در یکی از نقل‌های تاریخی آمده است که معاویه بعد از اینکه روی منبر از سوی یکی از مستمعان به دروغ‌گویی متهم شد وی به جای برخورد با شخص متعرض به منزل رفت و پس از لحظاتی در حالی که از محاسنش آب می‌چکید بر فراز منبر رفت و گفت: ای مردم بدانید که خشم و غضب از ناحیه شیطان است و شیطان از آتش است. پس اگر یکی از شما به دلیلی غضبناک شد خشمش را با آب خاموش کند. همچنین باید به مکر و حیل وی در جذب مردم نیز اشاره کرد. معاویه در جمعی گفته بود: «گر مویی بین من و مردم باشد، قطع نمی‌کنم». از وی پرسیدند چگونه؟ پاسخ داد: «گر بکشند رهایش می‌کنم و اگر شل کنند می‌کنم».

امام علی (ع) در تبیین شگردهای ریکاری معاویه می‌فرماید: «معاویه از هر طرف سراغ انسان می‌آید. از پیش رو، پشت سر و از راست و چپ می‌آید تا در حال غفلت او را تسلیم خود کند و درک و شعورش را بنزدد». عمرو بن عاص نیز درباره شخصیت معاویه گفته بود

معاویه در جهت تقویت مشروعیت‌بخشی به خود و حکومت خود، دست به برخی کارهای ریکارانه مذهبی زد. وی پارچه‌ای از دیدار روی خانه خدا کشید و برای مسجد پیامبر و محراب ساخت. از جمله مواردی که بر ریکاری وی صحنه می‌گذاشت صبر برداری ظاهری معاویه بود که برخی از مورخان را به اشتباه انداخته و موجب شده است آنان این مسأله را یکی از حسنات وی به شمار آورند. برای نمونه، در یکی از نقل‌های تاریخی آمده است که معاویه بعد از اینکه روی منبر از سوی یکی از مستمعان به دروغ‌گویی متهم شد وی به جای برخورد با شخص متعرض به منزل رفت و پس از لحظاتی در حالی که از محاسنش آب می‌چکید بر فراز منبر رفت و گفت: ای مردم بدانید که خشم و غضب از ناحیه شیطان است و شیطان از آتش است. پس اگر یکی از شما به دلیلی غضبناک شد خشمش را با آب خاموش کند. همچنین باید به مکر و حیل وی در جذب مردم نیز اشاره کرد. معاویه در جمعی گفته بود: «گر مویی بین من و مردم باشد، قطع نمی‌کنم». از وی پرسیدند چگونه؟ پاسخ داد: «گر بکشند رهایش می‌کنم و اگر شل کنند می‌کنم».

